

بازنمایی وظایف الوهی ناهید به روایت آثار هنری

آزاده پشوتنی زاده^۱

چکیده

در آثار هنری تمدن‌های کهن، حضور نیروهای ماوراءالطبیعه در قالب تصاویر طبیعی ملموس است و زندگی دنیوی آدمیان را با نیروهای آسمانی پیوند می‌زند. زندگی ایرانیان باستان بر نظام کشاورزی استوار بوده؛ لذا حاصل‌خیزی و باروری اهمیت بسیار داشته است. ایزدبانوان و الهگان باروری جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ‌های کهن داشته‌اند و شکل فیزیکی و متافیزیکی ایشان در ارتباط با عناصر طبیعی چون حرکت اجرام سماوی (منطقه البروج)، گیاهان، حیوانات و آلات موسیقایی پیوند دارد. ایزدبانوی آناهیتا/ناهید، نماد حاصل‌خیزی و باروری و موکل آب‌ها در ایران است. بلندپایگی وی به حدی است که عبادتگاه‌های متعدد بنا و نذرهای فراوان نثارش می‌کردند. این نذرها بیانگر وظایف روحانی جسمیت‌یافته آناهیتاست که در آثار هنری بسیار نفیس و ملبم از ادبیات دینی آن دوره حلول یافته‌اند. از این روی، بازنگری ادبیات دینی و توصیفات دینی ناهید، تحلیل‌های نادرست را کاسته و شناسایی این ایزدبانو را در آثار هنری ممکن می‌کند. این نوشتار سعی دارد با گردآوری‌های کتابخانه‌ای و اسنادی (تصویری/آثار هنری) به روش مطالعه تطبیقی آثار هنری به تحلیل و توصیف این موضوع بپردازد؛ تا وجوه اشتراک این مهین‌الهگان در جوامع مادرسالار و کهن و ریشه‌های هنری و تصویری مشترک میان آناهیتای ایرانی و دیگر ایزدبانوان باروری هویدا شود.

کلیدواژگان

آناهیتا، ایزدبانو، حیوانات، اجرام سماوی/زهره، گیاهان و موسیقی.

۱. پشوتنی‌زاده@gmail.com

۱. استادیار پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری
تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۳/۱۶

مقدمه و بیان مسئله

اغلب تمدن‌های کهن رب‌النوع‌های باروری و حاصل‌خیزی داشته‌اند که بنابر عقاید مردمان آن فرهنگ، حضور ایشان متضمن فزونی بارندگی و باروری بوده است. جوامع کهن نیز برای جلب رضایت ایزدان و ایزدبانوان باروری، معابدی برپا و نذرهایی به پیشگاهشان تقدیم می‌کردند. تعدادی از این نذرها در گذر ایام باقی‌مانده و دست‌مایه پژوهش پیش رو را تشکیل داده‌اند. در آثار هنری باقی‌مانده، جنبه‌های بصری و فیزیکی الهگان به همراه ترکیبی از عناصر طبیعی، بیانگر وظایف روحانی ایشان است. نماد و اجزای تشکیل‌دهنده موجود در ترکیبات ظاهری الهه باروری ایران، آناهیتا، به فراخور ایزدان یاری‌گر و همراه با وظایف محول‌شده (در راستای نذر)، دچار تغییر و تحولات معناداری شده که تحت‌تأثیر نقل و انتقالات فرهنگی دیگر جوامع است. این نوشتار، به معرفی ایزدبانوان باروری مؤثر و بزرگ همراه با علائم نمادینشان و توجیه الگوی تصویری الهه آناهیتا/ ناهید ایرانی می‌پردازد.

پرسش‌ها و هدف تحقیق

۱. آیا ادبیات دینی موجود در عصر ساسانی بر تولیدات هنری و بصری ایزدبانوی ناهید تأثیر نهاده است؟
 ۲. آیا عناصر بصری و نمادین دیگر همچون گیاهان، حیوانات، اجرام سماوی و آلات موسیقایی، همگام با شرح وظایف روحانی الهه آناهیتا، پا به عرصه ظهور می‌گذارند؟
 ۳. آیا ایزد بهرام به‌عنوان همراه و یاری‌گر ایزدبانوی آناهیتا، در قالب بصری و نمادین خاصی حضور می‌یابد؟
- هدف از این پژوهش، بررسی تحولات معنایی و فرمی رب‌النوع‌های باروری و بالخصوص ایزدبانوی آناهیتا در ایران است. اغلب آثار هنری عصر ساسانی با موضوعیت آناهیتا توضیحات و تفاسیری نادقیق و اشتباه دارند. این نوشتار سعی دارد با آوردن نمونه‌هایی از متون کهن و دینی به همراه آثار باستانی، تفاسیر دقیق‌تری برای این آثار عرضه کند.

تأثیر و تأثرات الهه آناهیتا

سرگذشت آب و ایرانیان سرگذشتی شگفت است. مبارزه بی‌امان کشاورزان با خشک‌سالی و برون‌جهاندن آب از قلب کوهساران، تقدس الهه آناهیتا را با خود داشت. تقدس آب در دوران باستان به دلیل زندگی کشاورزی است، زیرا ادامه زندگی کشاورزی جز با بارش منظم و به‌موقع باران امکان‌پذیر نیست و از این رو در همه نقوش به‌دست‌آمده از ایرانیان در ادوار مختلف تاریخی

همواره نیاز به آب و بارندگی را می‌توان دید [۳۴، ص ۱۶۶]. از این رو، ایرانیان اردویسور آناهیتا یا آناهید یا ناهید را سرچشمه همه آب‌های روی زمین دانسته و معتقد بودند او نطفه مردان را پاک و رحم زنان را تطهیر می‌کند و شیر را در پستان مادران می‌پالاید. نام او در پهلوی آناهید و در فارسی ناهید آورده شده است. این اسم به معنای «نالوده و پاک» است [۳۵، ص ۳۹۵] و در یشت پنجم/وستا این رود (چشمه) به منزله افزاینده حیات و حامی چهارپایان و گیاهان و چشمه‌ای که به همه کشورها رونق و حرکت می‌بخشد نیایش می‌شود. همچنین، ناهید بود که همه دلاوران نخستین را نیرو بخشید و آن‌ها موفق شدند بر دشمنان خود ظفر یابند [۲، یشت پنجم]. [چهارپایان و گیاهان: یکی از موارد مشترک میان ایزدبانوی آناهیتا و ایشتر است] (شکل ۹).

ایزدبانوی ناهید در دوره هخامنشی حافظ سلطنت و آثار سلطنتی بوده است [۴۱، ص ۱۷۸]. البته، ایزدبانوی آناهیتا در دوران هخامنشی همراه با گونه‌ای تمثال پرستی از دوران داریوش دوم در ایران رایج شد؛ چنان‌که پلوتارک می‌نویسد: «آداب تاج‌گذاری اردشیر دوم هخامنشی در پاسارگاد، توسط روحانی پارس در پرستش‌گاه متعلق به آتنا/ آناهیتا انجام گرفت» [۱۴، بند ۳]. مهم‌ترین منابع باستان‌شناسی در رابطه با آناهیتا عبارت‌اند از: سنگ‌نبشته‌ها، تندیس‌ها و سکه‌ها که عموماً به بعد از دوران اردشیر دوم هخامنشی مربوط می‌شود، زیرا این پادشاه به ایزدبانوی ناهید سخت دل بستگی داشت و مجسمه‌هایی از او را در سراسر بلاد پارس برپا کرد [۳۸، ص ۱۰]. از دوره هخامنشی تا پایان دوره ساسانی، ملکه به‌طور مشخص نماد زمینی آناهیتا محسوب می‌شد [۴۱، ص ۱۷۶-۱۷۷].

ستایش ایزدبانوی آناهیتا همچنان در دوره اشکانیان ادامه داشته و تا بلاد آسیای صغیر و در ارمنستان توسعه یافته و معابد بسیاری برای او در این سرزمین‌ها بنا نهاده شده است. در عصر ساسانیان، که دین رسمی ایرانیان زردشتی بود، شاهان او را گرامی می‌داشتند و از آن پاسداری می‌کردند [۲۰، ص ۱۱].

نقش برجسته‌ای نیز از دوران اشکانی کشف شده که مربوط به سده نخستین میلادی است و در منطقه پالمیر پیدا شده است. در این اثر، پادشاه کنار ایزدبانوی آناهیتا قرار دارد و ایزدبانوی آناهیتا هلال ماه دارد [۴، ص ۳۳-۳۴]. اقوام باستانی بسیاری از جانوران را می‌پرستیدند و از اینجا توتیمسم^۱ به وجود آمده است. مردم باستانی رابطه‌ای میان هلال ماه و ستاره زهره و شاخ بز کوهی قائل بوده‌اند [۱۱، ص ۱۷۸]. [نوشتار یادشده به شاخدار بودن و ارتباط ایزدبانوی آناهیتا و ایشتر با ستاره زهره اشاره دارد] (شکل‌های ۴ و ۱۰ و ۱۱).

پرستش‌گاه ناهید در ایران و کشورهای همجوار اغلب کنار رودهای نواحی پرآب بوده‌اند. در تاریخ سرزمین ارمنستان و سایر شهرهای آسیای صغیر نیز به اسم ناهید و معبد او برمی‌خوریم

که نشان می‌دهد این فرشته در بیرون از وطن خود نیز مقام ارجمندی داشته است [۵۰، ص ۸۱۴]. الهه آناهیتا در مرزهای ایران زمین تأثیر اسطوره‌های سرزمین‌های مجاور را پذیرفته، چنان‌که در شوش از ایشتار و نانا یا بغدخت‌های باروری بابلی و ایلامی رنگ گرفته بود. در آسیای صغیر و غرب ایران به شکل آرتمیسی یونانی درآمده بود و در قسمتی از ارمنستان به شکل آفرودیت نمایان شده بود، ولی در قلمرو دین مزدآپرستی ایران زمین، این بغدخت با آرتمیسی یونانی، ایزد پاکی، پارسایی، باروری و مادری و بانوی بزرگ ایران شهر و پشتیبان شهر و کشور [۳۰، ص ۱۸۵] و هرکول (هراکلس) با ورثرغنه (ایزدبهرام ایرانی) همسان بود [۴۹، ص ۳۰].



شکل ۱/۱. ایمدوگود، متعلق به ۳۰۰۰ ق.م [۴۸، ص ۶۲]

توضیحات: ایمدوگود (Imdugud/Anzu) جانور دورگه، عقابی با سر شیر، برای نخستین بار بر مهرهای استوانه‌ای هزاره چهارم ق.م دیده می‌شود [۴۸، ص ۶۲]. در این تصویر، یک عقاب با سر شیر، دو شیر را در پنجه‌هایش اسیر کرده است. عقاب/شاهین در نمادپردازی و هنر ایران، نشانی از بهرام (اوستایی: ورثرغنه) ایزدی است [۴۶، ص ۲۵۸]. ورثرغنه باشنده‌ای انتزاعی یا تجسمی از یک ایده و تعبیری از نیروی پیشتاز و مقاومت‌ناپذیر پیروزی است [۲۶، ص ۱۷۳]. نام ورثرغن به همه کسانی اطلاق می‌شود که به سرنوشت خویش یا موقعیتی خاص پیروزمندند و نشان از پادشاهی دارد [۲۵، ص ۱۶۱ و ۱۶۳] و گاهی چون نور و گاهی در قالب موجوداتی چون مرغ وارغنه تجسم می‌پذیرد [۲۸، ص ۱۰۲]. نماد عقاب و استفاده از آن در تاج‌های شاهان به نشانه آناهیتا، به معنای انتصاب از سوی وی، است [۵۳، ص ۱۲۹].

از اوستا نیز چنین برمی‌آید که عقاب نزد ایرانیان پایه‌ای ارجمند داشته و همواره مورد توجه بوده است [۳، بهرام یشت: بند ۴۱ و رشن یشت: ۱۷] و در «بهرام‌یشت» آمده که ورثرغن (شاهین) یا فرشته بهرام به ده گونه: باد تند، گاو ورزا، اسب سفید، شتر سرمست، گراز نر، جوان پانزده‌ساله فروغمند، شاهین بلندپرواز، میش یا گوزن پیچیده‌شاخ، بز زیبا، مرد دلیر رایومند،

خود را به زردشت نمایانده است. بنا بر بند ۱۹، بهرام یشت وی هفتمین بار در کالبد شاهین بر پیامبر ایرانی نمودار شده است [۳، بهرام یشت: بند ۱۹]. در *اوستا*، شاهین گاه به نام مرغ بالزن، گاه به نام وارغن و گاه «سَ اِن» خوانده شده و برابر واژه «شَ یَ ن» در سانسکریت است [۸، ص ۵۹ و ۶۵] که در پهلوی به صورت «سین» و در فارسی دری «سی» خوانده می‌شود و به هیچ وجه نماینده عدد سی نیست؛ بلکه معنای آن همان نام «شاهین» می‌شود. چنان که سنن/سین/سئنه ویژگی‌های عقاب یا شاهین را دارد [۲۹، ص ۷۱۰]. یکی از حیوانات خیالی ایرانیان، که به خصوص در دوره ساسانی اهمیت فراوان داشته، «سین مرو» یا سیمرغ اوستایی است که دارای طبایع مختلف شیر و عقاب یا شاهین بوده است و تجسم الالهة بزرگ آب‌های آسمانی و زمینی «اردوی سورا» یا به نام معرفتر «ناهید/آناهیتا» بوده است [۶۸، ص ۱۶].



شکل ۲. / یمدوگود، عقاب مقدس با سر شیر [۴۶، ص ۲۳۲]

توضیحات: در این تصویر، یک عقاب با سر شیر، دو گوزن پیچیده شاخ را اسیر کرده است. که باز هم نشانی از ایزد بهرام است. دو تصویر یادشده، ترکیب عناصر نمادین در شکل‌گیری اولیه ایزد آناهیتا و یاری‌گرش، ایزد بهرام، است. توضیحات: در این تصویر، ترکیب دو شیر، همانند دو تصویر قبل، با ایزدبانوی ناهید که دارای بال‌های عقاب است، دیده می‌شود. نیمه‌عریان بودن الالهة آناهیتا او را با توصیفی که از الالهة ایشتر رفته، نزدیک می‌گرداند.



شکل ۳. الهه آناهیتا، به همراه دو شیر [۴۵، ص ۹۴]



شکل ۴. نقش برجسته گل، ارتفاع ۵۰ سانتی متر، متعلق به ۲۰۲۵-۱۷۶۳ ق.م. کلکسیون نرمان کولویل، قبلاً در کلکسیون برنی [۴۴، تصویر ۲۱۲]

توضیحات: الهه ایستر که الهه جنگ و از سوی دیگر بانو و سرچشمه باروری طبیعت، انسان و الهه عشق محسوب می شد [۲۲، ص ۷]، کلاه شاخداری داشت که در معابد آناهیتا نیز دیده

می‌شود و نشانه قدرت ایزدبانوی آناهیتاست. حضور شیر به همراه بال‌ها و پنجه‌های عقاب و دو پرندۀ در دو طرف وی، شباهت‌های دیگر این ایزدبانو با آناهیتاست.



شکل ۵/ الف. نقش پارچه ابریشم، سفید با رنگ‌های ترکیبی، قرن پنجم یا ششم هجری [۲۳، ص ۱۳۷]



شکل ۵/ ب. سینی نقره، دوران ساسانی، برنج، قطر ۲۲ سانتی‌متر، موزه ارمیتاژ لنینگراد، عقاب الهه آناهیتا را به آسمان می‌برد [۱۵، ص ۲۰۹/جلد هفتم؛ ۳۱، ص ۳۶]

توضیحات: در شکل ۵/ الف، الهه آناهیتا به همراه دو بال عقاب به نشان همراهی ایزد بهرام به تصویر کشیده شده است و در دو سمتش دو شیر بالدار بزرگ و دو دایره بالایی (محل اتصال بال‌ها) دو شیر بالدار کوچک وجود دارد.

در شکل ۵/ ب، الهه آناهیتا در میان عقاب/ نماد ایزد بهرام دیده می‌شود که در جام حسنلو، به یک سر انسانی/ مؤنث به نشانه ناهید و یک سر عقاب/ ایزد بهرام بدل می‌شود.

دوسر بودن عقاب‌ها در تصویر جام حسنلو نیز دیده می‌شود، با این تفاوت که یک سر انسانی/ مؤنث به نشان از ایزدبانوی آناهیتا و یک سر عقاب به نشانه ایزد بهرام دارد. همراهی عقاب و شیر به همراه ایزدبانوی باروری در بین‌النهرین به گونه‌ای وصلت آیینی شاه با ایزدبانو ایشتر تعبیر می‌شد [۵، ص ۳۱]. در بابل، مراسم سال نو احتمالاً چیزی شبیه به نمایش مصیبت حضرت مسیح بود که در آن پیوند آیینی بین پادشاه و ایزدبانو ایشتر در کنار بسیاری از نمایش‌های نمادین دیگر به اجرا درمی‌آمد [۴۶، ص ۲۲۷].



شکل ۶. طرح روی جام زرین حسنلو / اَرومیه/، حدود سده دوازدهم ق.م. [۱۸، ص ۷۶۵؛ ۳۱، ص ۲۸]

توضیحات: جزئیات تصویر این عقاب ترکیب بدن عقاب به همراه دو سر را، که یکی سر ایزدبانوی باروری و دیگری سر عقاب است، هویدا می‌کند. در اساطیر آسیای غربی، عقاب با الهه باروری در ارتباط است و مصداق آن در جام حسنلو، موضوع پرواز عقاب و عروج اتانای سترون و ناباور به آسمان در جهت دستیابی به گیاه معجزه‌گر باروری است. در دوره ساسانی، پرنده عقاب رابطه نزدیکی با آناهیتا دارد [۳۱، ص ۵۷].

ایشتر و آناهیتا/ ناهید

ایشتر نام سامی برای اینن^۱، ایزدبانوی سومری، مقتدرترین ایزدبانو در بین‌النهرین بود [۴۶، ص ۲۲۱].

ایشتر در نزد مردم اکد، تجسم سیاره زهره (ناهید، آناهیتا) بود که به دیلبت^۱ معروف بود. در تاریخ نظامی‌گری، ایشتر نینوا و ایشتر اردبیل در نبرد بسیار برجسته و ضامن پیروزی سپاهیان آشوری‌اند. منظومه‌ای مشهور درباره جنگ توکولتی- نینورتای اول، به رویدادی در سده سیزده ق.م. اشاره می‌کند و می‌گوید که ایشتر در نقطه‌ای حساس در نبرد مداخله می‌کند که نتیجه‌اش پیروزی آشوریان بر کاشتی‌لیش، پادشاه بابل، و شکست و سرنگونی این پادشاه

1. Dilbat

بود [۴۶، ص ۲۲۳]. ایشتر ویژگی‌های متعددی دارد که در متون مختلف به شکل‌های مختلف نشان داده شده است: ایشتر به‌منزلهٔ «نماد کامل زنانگی»، «سرور دشت و حیوانات»، «ملکهٔ جنگجو» آمده است. نماد ایشتر «ستارهٔ هشت‌پر» و «شیر» است. در نقش برجستهٔ آنوبانی‌نی، سر پل ذهاب، کلاه ایشتر شاخدار است که نشان از خدایی او دارد. ایشتر به صورت زنی که شیری او را همراهی می‌کند و زنی که برهنه است نیز دیده می‌شود [۲۱، ص ۱۳۷] (شکل ۴). در توضیحات ایشتر، به مواردی از قبیل: «نماد کامل زنانگی»، «سرور دشت و حیوانات»، «ملکهٔ جنگجو»، «ستارهٔ هشت‌پر»، «شیر»، «کلاه شاخدار ایشتر» و «برهنگی وی» اشاره شده است. در این بخش، مستندات ارائه می‌شود تا تشابهات ایشتر و آناهیتا مشخص شود.

هرودت می‌نویسد: ناهید را در این دوره با فرشتهٔ باروری سامی‌ها «ایشتر» یکی می‌دانستند و در جنگ و نبرد نیز از او یاری می‌خواستند. چنین به نظر می‌رسد که «ایشتر» در بابل بسیاری از خصوصیات و وظایف «نین‌ال»، بانوی بزرگ آب‌ها یا بانوی پاک‌زاد، را به خود اختصاص داده است [۳۲، ص ۳۴] یا در سال فرمانروایی اردشیر دوم، یعنی در ۴۰۵ ق.م، در پاسارگاد معبدی وقف الههٔ جنگ شده بود که به نقل از پلوتارک، همتای آتنا بود. این مکان بی‌تردید معبد آناهیتا در یکی از ابعاد مهم شخصیتش بود. این واقعیت که اردشیر دوم در این معبد پس از به تن کردن ردای کورش به پادشاهی‌اش تقدس بخشید، نشان می‌دهد که پادشاهان هخامنشی با آناهیتا، به‌ویژه در نقش الههٔ جنگ، پیوندهای نزدیکی داشته‌اند [۱۲، ص ۷۲۹] و دستار شاخدار بر سر می‌نهادند که نماد انتصاب و قدرت آسمانی‌شان بود [۴۶، ص ۵۰۷]. از سوی دیگر، در ایران، ایزد شاخدار احتمالاً سرچشمهٔ باروری و قدرت تصور می‌شده است. مدارکی مکشوف در خاور نزدیک نشان می‌دهد که شاخ نمودگار قدرت فراطبیعی است [۴۶، ص ۵۳۶] (شکل‌های ۱۰ و ۱۱).

جالب‌ترین ویژگی معابد آناهیتا سه شاخ بزرگ است که در هر طرف دیوارهای معبد نصب شده است. سنگ‌نشته‌های ایلامی میانه ثابت می‌کند که این شاخ‌ها جزء مهمی از هر معبد را می‌ساختند چون نماد الوهیت بود [۱۹، ص ۴۶]. در شرح واژهٔ ذوالقرنین [عربی] نیز آمده است: به معنای صاحب دو شاخ (شاخ نشانهٔ قدرت و جلال بوده است). پیکرهای دارای دو شاخ ریشه در اساطیر کهن دارند [۱۸، ص ۲۴۱].

به نقل از پلینی^۱، در شوش معبدی به نام تازارا^۲ قرار داشت که مکان مقدسی برای آتنا و آرتامیس و آناهیتا به شمار می‌رفت و شیرهای رام‌شده در آن وجود داشت و به آزادی در رفت‌وآمد بود [۲۰، ص ۶۴]. یکی دیگر از این پرستش‌گاه‌ها، معبد آناهیتاست که در سدهٔ سوم پیش از میلاد ساخته شده و قرنیز آن با برگ‌های زینتی و سر شیر سفالی آرایش شده است

1. Pliny
2. Ta Azara

[۴۳، ص ۵۲]. روی سکه‌هایی که از کوشان به دست آمده، تصویر ناهید بر شیر نقش شده است [۲۴، ص ۲۸۴]. در مُهرهای آشوری و همچنین در نقاشی‌های قصر ماره (متعلق به هزاره دوم)، شیر به‌منزله یکی از متعلقات زهره تصویر شده است. در ادبیات مذهبی، گاه ونوس شیر شرزه یا ماده شیر خدایان آسمان خوانده می‌شود [۲۹، ص ۴۸۷] (شکل‌های ۳، ۵، ۷ و ۸).

نقش آن‌ها، که روی ابزار نقره‌ای ساسانی دیده می‌شود، او را به شکل زنی برهنه یا نیمه‌برهنه در برابر طاقی ایستاده با مقداری میوه و گل و گاهی پرنده‌ای در دست نشان می‌دهد [۱۲، ص ۷۳۵] (شکل‌های ۳ و ۴).

توصیفات بسیار آبان‌یشت به بیان عناصر کامل زنانگی الهه آن‌اهیتا می‌پردازد؛ مانند: آن‌گاه اردویسور آن‌اهیتا به شکل دوشیزه‌ای زیبا، نیرومند، خوش‌اندام، کمر بند به میان بسته، بالابند، آزاده‌نژاد و توانمند با کفش‌های زیبای درخشان، که آن‌ها را با بندهای زرین به پا بسته بود، روان شد [۳، آبان‌یشت: بند ۶۴]. اردویسور آن‌اهیتا بر تارک خویش تاجی زرین و هشت‌گوش که جواهرات بسیار آن را دربر گرفته بود و تاج زیبا را نوارهای آراسته و حلقه‌ای در میان گرفته بود [۳، آبان‌یشت: بند ۱۲۸].

اردویسور آن‌اهیتا جامه‌ای از پوست ببر پوشیده است؛ از پوست سیصد ماده‌ببر که هریک چهار بچه زاید، از آن روی که ببر ماده زیباترین جانوری است که مویی انبوه دارد [۳، آبان‌یشت: بند ۱۲۹].

آن‌هاید علاوه بر وظایفی که برعهده داشت، موکل بر ستاره ناهید (زهره) نیز بود و از این نظر با ونوس همسان بود و ستاره عشق و مهر به شمار می‌آمد و دلدادگان را یاری می‌کرد [۳۰، ص ۱۸۷] (شکل‌های ۷، ۸ و ۱۰). در بابل و مکزیک ستاره زهره به صورت چلیپای هشت‌پر نشان داده می‌شد [۴۷، ص ۲۶۱]. علاوه بر آن، پیشینه تاریخی و بررسی‌های ژرف در آیین‌های کهن نشان می‌دهد که ستاره زهره نزد تیره‌های گوناگون جهان مقدس و مورد ستایش بوده است. این ستاره در سومر و آشور زهره، در بابل ایشتار، در یونان آتنا، در کنعان و فینیقیه بعل، در مصر سوتیس و در ایران آن‌اهیتا (ناهید) خوانده می‌شد و مقدس به شمار می‌آمد [۱۰، ص ۳۴].

در نمادهای تصویری نیز الهه آن‌اهیتا با همین مشخصات آمده است.



شکل ۷. بهرام گور در حال شکار شیر، اواخر عصر ساسانی، برجسته کاری و حکاکی شده، موزه ارمیتاژ [۳۶، ص ۳۴]

توضیحات: در این تصویر، بر بازوان شیر علامت ستاره زهره است و حضور شیر نشان از حضور ایزدبانوی آناهیتاست. در تمام متون، صحنه شکار شیر بیان شده است و به دلایل یادشده، این صحنه نشان از حضور نیرویی ماوراءالطبیعه است و بسیار محتمل است که ظرفی از این دست، آثار نذری به منظور پیروزی پادشاه در نبرد برای ایزدبانو آناهیتا باشد. چنان که در مستندات آمده است: زمانی که خشایارشا به یونان لشکر می کشید، دستور داد روی تنگه داردانل، که آسیا و اروپا را از هم جدا می کند، پلی بستند و پیش از گذشتن از پل، روی آن برگ مورد پاشیدند و بخور کردند. پس از طلوع خورشید، خشایارشا آن را ستایش نمود و از ظرفی زرین فدیهای به دریا نثار کرد و آن ظرف را با یک پیاله زرین و یک شمشیر ایرانی به نام آکیناکس در آب انداخت [۳، ۱۶۲/۱]. شاهان هخامنشی، همانند داریوش و خشایارشا، از اورمزد نیرومند، باروری و حاصل خیزی درخواست می کردند که این وظیفه برعهده آناهیتا، دختر اهورامزدا، بود [۵۲، ص ۲۳]. این نذورات باعث شده بود که معابد آناهیتا از ثروت درخور توجهی برخوردار شوند؛ چنان که، آنتیوخوس سوم، پس از شکست، معبد آناهیتا در هگمتانه را چپاول کرد و بار دیگر خزانه خود را انباشت [۴۹، ص ۲۷] و هرودت، که هم زمان با هخامنشیان در سده پنجم قبل از میلاد مسیح می زیست، در مورد ایرانیان می گوید: ایرانیان آب جاری را از هرگونه کثافت و ناپاکی به دور می دارند و در میان آن بول نمی کنند و دست نمی شویند. ایرانیان همچنین طی مراسمی برای آب قربانی و فدییه می دهند [۳۴، ص ۱۶۷].

استرابو، مورخ و جغرافی‌نویس یونانی نیز می‌نویسد: مردمان هیرکانی^۱ در جایی که آب از سنگ خارا جهیده و به دریا می‌ریزد یا در کنار چشمه فدیه خود را تقدیم می‌کنند. او نیز بر این اعتقاد بود که ایرانیان در آب جاری استحمام نمی‌کنند، لاشه و مردار و هر چیز ناپاک در آن نمی‌اندازند و در زمان فدیه برای آب، خندقی در کنار آن حفر و احتیاط می‌کنند که آب به خون نیلاید [۱۷، ص ۶۶-۶۷].

در جشن‌های ایران کهن پیش از زردشت نیز، همواره بعد از مراسم نیایش، آیین قربانی انجام می‌شد و در کنار توده‌های آتش، اسب و گاو و گوسفند به تعداد ده هزار و صد هزار قربانی می‌شدند. بنابر روایات اساطیری، کاووس و کیخسرو و گشتاسپ و حتی ارجاسپ و افراسیاب و بسیاری از شاهان و پهلوانان برای اردویسورآناهیتا در کنار دریای چیچست قربانی‌ها نثار کردند [۳۳ ج ۲، ص ۶۳۳]. حتی در متون دینی نیز صراحتاً بر اهدای قربانی و فدیه تأکید شده است. زمانی زردشت از اردویسورآناهیتا می‌پرسید: ای اردویسورآناهیتا، با کدام قربانی باید تو را بستایم؟ با کدام قربانی باید به تو نزدیک شوم؟ [۳، آبان‌یشت: بند ۹۰].



شکل ۸. نقش شیر بر بشقاب، ری، سده چهارم [۱۰، ص ۲۲۵]

توضیحات: همراهی علامت ستاره زهره با نقش شیر تداعی گر الهه ناهید است.

۱. Herkanie، نام قدیمی ناحیه وسیعی در جنوب شرقی دریای خزر (استرآباد) است.



شکل ۹. این تنگ عصر ساسانی، تا قبل از سال ۱۹۳۷ به گالری فریر تعلق داشته، اما پس از سال ۱۹۳۷ به موزه ایران باستان در تهران سپرده شد. تنگ نقره مطلا با نقش آناهیتا، عهد ساسانی، قرن پنجم و ششم میلادی، بلندی ۲۶/۵ سانتی‌متر، موزه ایران باستان تهران، نقوش این تنگ که احتمالاً برای اولین شراب فصل بوده، ملهم از آیین «دیونیزوس / باکوس» است، ولی شیوه آن ویژگی‌های ساسانی دارد [۳۷، ص ۲۷۶؛ ۳۹، ص ۲۰۹]

توضیحات: الهه آناهیتا روی سر شیری ایستاده است و پرندۀ همراهش، نمادی از ایزد بهرام است. سمت راست الهه آناهیتا حیوانی قرار دارد و دورتادور الهه ساقه‌های پیچان انگور قرار گرفته است. در زیر پای آناهیتا، سر شیری است که دهانش دهانۀ ظرف را نشان می‌دهد. قسمت تنگ‌شده و محل دهانه‌ها در پایین ظرف این تصور را می‌دهد که وقتی آن را در خمره‌ای که اولین خوشه‌های انگور را در آن می‌فشارند و فرومی‌برند، برای پر شدن از شراب به کار می‌رفته. در انتهای ظرف، نقش اژدهای بالدار / سیمرغ نشان ایرانی الهه آناهیتای ساسانی بوده است [۳۷، ص ۲۹۴].



شکل ۱۰. بشقاب با نقش شاه و ملکه / بهرام گور و همسرش، عهد ساسانی، جام موزه بالتیمور [۴۰].
ص ۸۵

توضیحات: کلاه شاخداری که الهه ناهید بر سر نهاده است، نمادی از قدرت الوهی وی است. در معرفی این تصویر، الهه آناهیتا همسر پادشاه فرض شده است. این توضیح در صورتی صحیح خواهد بود که طبق رسم بین‌النهرینی برای پادشاه و ایزدبانو ازدواج آیینی در نظر گرفته شود و به مفهوم روحانی آن اشاره کند. در غیر این صورت، عنصر شاخ، به همراه دایره‌ای که در میان آن ستاره زهره قرار دارد (منقوش بر ران الهه) و اناری که در بالای شاخ ایزدبانو ناهید دیده می‌شود، بی‌شک بیانگر صحنه‌ای ماوراءالطبیعه و آیینی است. سه سر گراز در زیر تخت پادشاه و الهه دیده می‌شوند. با توجه به اینکه گراز نر یکی از صورت‌های ظهور ایزد بهرام (یاری‌گر و همراه آناهیتا) است، بی‌تردید، ایزدبانوی منقوش، آناهیتاست.



شکل ۱۱. بشقاب با صحنه جلوس شاه و همسرش با نقش قوچ، میش، عصر ساسانی [۲۷، ص ۵۷]

توضیحات: در این نقش، ایزد آناهیتا بدون کلاه شاخدار تصویر شده است، اما سر قوچی، میش/گوزن که بر زیر تخت پادشاه و ایزدبانو دیده می‌شود، یکی از نمادهای ایزد یاری‌گر آناهیتا، یعنی بهرام، است. اناری که به دست الهه است بیانگر صحنه‌ای روحانی و آرمانی است، زیرا در گذشته، پادشاهان در حضور الهه آناهیتا و در معبد وی تاج‌گذاری می‌کردند.

وجه اشتراک ایستر و آناهیتا در ستاره زهره

در منابع توراتی، می‌بینیم که زهره یا «ایشتار»، که همان بیدخت است، «عشتاروت» یا «عشروت» نامیده شده و «ملکه آسمان» لقب یافته است. همچنین، در تورات است که بنی‌اسرائیل در زمان سلیمان پرستش «عشتاروت» را پیشه کردند. بط، قو و مرغابی و غاز نشانه آفرودیت و آپولون بوده‌اند و کنایه از ایزدبانوی زهره است. در اساطیر یونانی، آفرودیت و در اساطیر رومی، ونوس الهه زیبایی به‌شمار می‌رود [۵۰، ص ۴۳۴] (شکل ۹). آفرودیت^۱ یا آفرودیته نام ایزدبانوی عشق در یونان است؛ درحالی‌که رومیان «ونوس» را الهه عشق معرفی کرده‌اند. گمان بر این است که این نام از ابهردتا^۲ سنسکریت گرفته شده است [۵۰،

1. Aphrodite
2. Abhradatta

ص ۵۰-۵۱]. در متون پهلوی (بعضی از آن‌ها برگردان متون گم‌شده/وستایی‌اند) گاهی این دو الهه جدا تلقی شده‌اند؛ یعنی اردویسور تجسم رودی اساطیری و آناهید الهه باروری و همتای سیاره ناهید^۱. از این‌رو، بندهش بزرگ در توصیف رودها و دریا‌های جهان می‌گوید که سرچشمه همه آن‌ها «اردویسور» است. از سوی دیگر، در بندی مربوط به ستارگان و سیاره‌ها از «ناهیید اباختری»، یعنی سیاره ناهید/ زهره، نام برده است [۱۲، ص ۷۲۴]. زهره یا ناهید (ونوس) دومین سیاره- از لحاظ فاصله تا خورشید- در آسمان سوم است. کوکب اهل طرب و ستاره مخصوص زنان و مختنان و ظرفا و اهل زینت و تجمل است و لهو و طرب و عشق و ظرافت و سخریه را به او اختصاص دارند [۵۰، ص ۴۳۲].

در سده اول پیش از میلاد، در ارمنستان آن اندازه نفوذ آناهیتا و پرستش و عبادت این ایزدبانو اهمیت یافت که نام شهر «آکی‌لی‌زن» را به آنائی تیس (لفظ یونانی آناهیتا) برگرداندند. معبد آناهیتا در این شهر شهرت بسیاری داشته است و این معبد عظیم، چنان‌که «پروکوپوس» تذکر می‌دهد، در زمان انتشار مسیحیت چون معابد دیگر به صورت کلیسا درآمد [۲۰، ص ۸۴]. انائتیس برگردان یونانی واژه‌ای است که ظاهراً نام الهه سیاره زهره/ ونوس بوده است و مادها و پارس‌ها پیش از گرویدن به دین زردشتی او را می‌پرستیدند. آیین او به‌روشنی تأثیر زیادی از آیین ایشتر بین‌النهرینی گرفته بود که الهه بسیار نیرومندی در هزاره نخست ق.م. بود و تا آن زمان شماری از یزدانکده‌های بیرون از قلمرو سامیان (از جمله یزدانکده عیلامی) پرستش او را نیز پذیرفته بودند. در این سرزمین، ایشتر را بسان الهه عشق و جنگ می‌پرستیدند [۱۲، ص ۷۲۸]. مطالب یادشده بیانگر این امر است که ایزدبانوان آناهیتا، ایشتر، ونوس، زهره و آفرودیت، همگی، یک ایزدبانو هستند با اسامی متفاوت.

در شکل‌های ۱۰ و ۱۱، ایزدبانوی آناهیتا در ارتباط با انار به تصویر کشیده شده است. بنابراین، بررسی نماد انار و ارتباط آن با ایزدبانوان امری حایز اهمیت است. انار، در اساطیر یونان، مظهر باروری و فراوانی است و آفرودیت، الهه عشق و شهوت، به دست خود درخت انار را در جزیره قبرس کاشت. انار را بیدارکننده غریزه جنسی و موجب آبستنی دانسته‌اند. بنابراین، ربط آن با الهه باروری روشن است [۵۰، ص ۱۶۵].

وصف انار در متون پهلوی و از جمله بندهش، چند بار آمده و در فرگرد ۲۷ از میوه‌های خوب قلمداد شده است. پزدانگی انار نماینده برکت و باروری و نمادی است از باروری ناهید [۵۰، ص ۱۶۶]. شکل‌های امروزی نماد انار، با توجه به جنبه باروری الهه آناهیتا، در فرهنگ ایران و فرهنگ‌های مشابه نمودهایی دارد؛ مثلاً، در فرهنگ مردم جنوب خراسان انار یکی از محصولات مهم محلی است و میوه بهشتی تلقی می‌شود. از این‌رو، وقتی کسی انار می‌خورد، می‌کوشد حتی یک دانه از آن بر زمین نیفتد، زیرا معتقدند فقط یک دانه آن متعلق به بهشت و خوردن آن

۱. (Venus، زهره)

موجب سعادت است و از کجا که همین یک دانه آن دانهٔ بهشتی نباشد. همچنین، به‌عنوان رمز باروری هم از آن استفاده می‌شود. به این صورت که اوایل پاییز، در فصل رها کردن بزهای نر (تکه‌ها) در میان بزهای ماده برای جفت‌گیری، بر سر شاخ هر بز نر اناری می‌آویزند. سپس دخترپچه‌ای را سوار هر بز نر می‌کنند تا چند دور بگردد. بعد، پس از مدت‌ها جدایی از بزهای ماده، نرها را میان آن‌ها رها می‌کنند. به باور مردم جنوب خراسان، با این کار همهٔ بزها آبستن می‌شوند و بزغالهٔ ماده هم می‌زایند و در نتیجه برکت گله و زاد و ولد آن‌ها بیشتر می‌شود [ص ۵۰، ۱۶۸]. طبق یک سنت ترکی، انار را به دلیل دانه‌های متعددش نماد باروری می‌دانند و در شب عروسی، عروس اناری بر زمین می‌اندازد تا بترکد و دانه‌هایش روی زمین پخش شود. تعداد دانه‌های پخش شده نمایانگر این است که او چند فرزند خواهد آورد [ص ۴۶، ۲۲۸].

در شکل‌های ۱۴ و ۱۵، ایزدبانوی آناهیتا، با توجه به بُعد نجومی‌اش، سیارهٔ زهره و حالات متعلق به آن دیده می‌شود.

آناهیتا و باکوس^۱

یونانیان به خدای شراب خود «باغوس» می‌گفتند. در زبان ارمنی، این واژه به باکوس تبدیل شده و در حال حاضر در زبان روسی «بوگ» یا «بغ» به معنا خداوند است [ص ۷، ۴۳]. مری بوپس معتقد است که لفظ «بانو» یا «بغ» مشخصاً عنوانی بین‌النهرینی برای خطاب به الهه است که این لفظ را برای ایشتر نیرومند ملقب به «بانو» به کار می‌بردند که با آناهیتا پیوند دارد [ص ۲۰، ۳۶-۳۷]. در دورهٔ پارسی و شاید حتی پیش از آن نیز، اردویسور آناهید را در سراسر این سرزمین در عبادت‌گاه‌های طبیعی بسیاری نیایش می‌کردند که در کنار دریاچه‌ها یا چشمه‌سارهای جاری از کوهسار پدید آمده بودند. یکی از آن‌ها (که با توجه به قداست زیاد آن احتمالاً قدیمی است) در نزدیکی شهر ری بر فراز کوهی قرار داشت و چشمه‌ای در پای آن روان بود. این نیایش‌گاه وقف آناهید «بانوی سرزمین» (شهربانو) شده بود و نیایش در آن از چنان اهمیتی برخوردار بود که پس از پیروزی اعراب، وقف «بی‌بی شهربانو» شد که گفته می‌شود دختر آخرین پادشاه ساسانی و بیوهٔ امام حسین است. از این رو، تا به امروز مسلمانان در آنجا قربانی و نذر و نیاز می‌کنند [ص ۵۱، ۳۰-۴۴]. با توجه به اینکه در متون دورهٔ اسلامی لقب ناهید «بغدخت» یا «بیدخت»، به معنای «دختر خدا» یا «دختر خدایان»، است و «بی» معادل «بغ» در پارسی قدیم است [ص ۲۰، ۱۱]. بیرونی نیز، بت «لات» را به اسم زحل و «عزی» را به اسم زهره یا ناهید ذکر کرده و پرستش آنان را به صابئین نسبت داده است [ص ۱۳، ۲۶۵]. تا این اواخر، یعنی به روزگار ما نیز ستاینندگان آب با نام صابیان/ صبه/ صابئین در خوزستان و در

۱. نام دیگر دیونیزوس، ایزد باروری، می و خلسه در اساطیر یونان است [ص ۴۶، ۲۲۲].

کنار رودخانه کارون می‌زیند و هنوز هم گروهی اندک با آیین‌های سنتی مرموز و کهنه خود در بعضی نقاط اطراف کارون زندگی می‌کنند [۶، ص ۴۰].

به نظر باستانی پاریزی نیز، بیشتر بناهایی که به نام‌های قلعه دختر، کتل دختر و پل دختر معروف و در سراسر ایران پراکنده‌اند، بازمانده معابد ناهیدند. بناهایی را هم که خاتون جزئی از نام آن‌ها را تشکیل می‌دهد، مانند خاتون‌آباد، مشک خاتون، پل خاتون و خاتون بارگاه، به این حلقه افزوده می‌شوند. تغییر نام دختر به «خاتون» به نظر می‌رسد بعد از دوره تسلط ترکان بر ایران صورت گرفته باشد [۹، ص ۱۵۰].

بغدخت به جای الهه برگزیده شده است که مرکب است از «بغ» به معنای خدا، پروردگار، ایزد و «دخت» به معنای دختر و روی هم به معنای دختر خدا یا خدا دختر (ایزد مؤنث) است. این نام از روزگاران قدیم لقب آن‌ها و ستاره ناهید (زهره) بوده است. نام بغدخت بعدها در زبان پارسی با تحول «غ» به «ی» به صورت بیدخت با یاء مجهول درآمده است [۳۰، ص ۱۶۵]. بغ آن‌ها، در حجاری‌های طاق‌بستان، در مقام دختر خدا حاضر می‌شود. وی با یک دست کوزه‌ای را خم کرده که آب از آن جاری است. به احتمال زیاد، در زمان ساسانیان نماز و دعا‌های مخصوصی برای آن‌ها تدوین شده بود؛ گرچه در نیایش‌های همگانی امشاسپندان بزرگی چون خرداد و امرداد در کنار آن‌ها قرار می‌گرفتند [۱۲، ص ۱۷۲۷]. وارنر معتقد است که: آن‌ها ایزدانوی باستانی - همراه با یک زوج به نام هئوروات و امرتات (برکت با تندرستی، جاودانگی) یا به عبارتی، هاروت و ماروت اسلامی است^۱ [۴۶، ص ۲۵۵]. در روایت‌ها آمده که وقتی عزا و عزایا (هاروت و ماروت/ خرداد و امرداد امشاسپندان)، دو فرشته خدا، برای حکم کردن به زمین آمدند، زنی از فرزندان نوح، به نام زهره که در فارسی «بیدخت» و در عبری «آن‌ها» گفته می‌شود، پیش ایشان از شوهر خود شکایت کرد. آن‌ها بر وی فتنه شدند و او را از شویش جدا کردند و شوهر را بکشتند و به خواهش او در خفا خمر/ نوشابه مسکر از شراب [۴۲، ص ۴۷۰] خوردند و او نام مهین خدای را از ایشان آموخت و خود به آسمان رفت و ایشان را فرو گذاشت. برخی گویند خداوند او را به صورت ستاره‌ای مسخ کرد [۵۰، ص ۴۳۲-۴۳۳].

البته اصل این قصه بابلی است و در متن سومری‌ها و اکدی‌ها نیز آمده است. بنابراین، داستان اصل ایرانی دارد و قطعاً رودخانه‌های «هرت» و «مرت»، دستیاران خدای تاکستان‌ها که بادها را مجبور می‌سازند باران را فراهم کنند و بر کوه بلند اغری طاغ (آزارات، مذکور در فولکور ارمنه) ببارند، اشاره به همان خرداد و امرداد است، زیرا فولکور ارمنه از اساطیر ایرانی متأثر است [۵۰، ص ۸۶۴]. این واژه در نام بسیاری از شهرها و پرستش‌گاه‌های کهن ارمنستان یافت می‌شود. از این رو، اگر امروز در شمار زیادی از بناها و بقعه‌های ایران نامی از خداوند آب‌ها و

چشمه‌سارها وجود دارد، باید آن را نشانه جایگاه والای ایزدبانوی اساطیری در باورهای مردم این مرز و بوم دانست [۲۰، ص ۱۱].
ارتباط بغ آناهیتا با واژه باکوس/ باغوس یونانی و سپس همراهی دو امشاسپند هئوروتات و امرتات/ خرداد و امرداد، با وی در زیرساخت فرهنگی کشور ارمنستان در آبیاری تاکستان‌ها، ارتباط این ایزدبانو را با انگور مشخص می‌کند.



شکل ۱۲. نقش نوازنده ساسانی، یافته‌شده از کلاردشت؛ جزئی از بشقاب با نقش چهار نوازنده، نقره، موزه ایران باستان [۳۶، ص ۱۷۶]

توضیحات شکل‌های ۱۲ و ۱۳: در توصیف این تصویر آمده است:

دیونیزوس: تصاویر دیونیزوس به‌ندرت در آثار ساسانی دیده می‌شود، آنچه بیشتر بر روی ظروف دیده می‌شود، افرادی‌اند که در واقع مریدان دیونیزوس بوده‌اند و احتمالاً از تصاویر رومی اقتباس شده‌اند.

در صورتی که این تصویر، با توجه به متن یادشده، ایزدبانوی آناهیتا با ساز، پرنده و انگور قابل شناسایی است.



شکل ۱۳. نقش نوازنده ساسانی، یافته شده از کلاردشت؛ جزئی از بشقاب با نقش چهار نوازنده، نقره، موزه ایران باستان [ص ۳۶، ۱۷۶]



شکل ۱۴. نوازنده فلوت بر روی یک حیوان خیالی بالدار، قرن ۹، موزه آرمیتاژ، عصر ساسانی [ص ۳۹، ۳۱۱]

توضیحات: مؤنث بودن نوازنده مشخص است و موجودی که بر آن سوار است، موجودی است ترکیبی از عقاب/ شاهین و شیر و شتر. بهرام ایزدی است که می‌تواند به پیکر ورزا، اسب سپید، شتر، گراز، جوانی زیبااندام، پرنده، قوچ، بز وحشی و جنگاور (که همه نماد قدرت جنگی و توان جنسی است) در آید [۴۶، ص ۲۵۸] در مرکب الهه، ترکیب بدن شتر و بال عقاب/ شاهین نماینده ایزد بهرام است. باز یا شاهین با ایزد موسیقی نیز ارتباط دارد، چنان‌که در فرهنگ نفیسی، به معنای «نی»، که چوپان می‌نوازد، نیز آمده است [۵۰، ص ۵۱۱]. پوزه و پنجه شیر و آلات موسیقی نماینده آناهیتاست.



شکل ۱۵. نقش بهرام‌گور و آزاده در حال شکار، در حین نواختن موسیقی، عصر ساسانی [۳۹، ص ۳۱۶]

توضیحات: مرکب شاه موجودی است مانند شتر که نماینده ایزد بهرام است. آلت موسیقی در دست بانو، نماینده زهره/ ناهید است. پس این تصویر نمی‌تواند پادشاه و کنیزش، آزاده، باشد. از شرحی که بیرونی در باب خواص و مظاهر زهره آورده چنین برمی‌آید که رابطه زهره با آب و سپیدی و روییدن و زایش و تولید مثل و طرب و زیبایی و عشق و مسائلی از این قبیل، انکارناپذیر است. روی هم رفته، قراین نشان می‌دهد که زهره همان ایزدبانوی آب است. تصویری هم که بیرونی از این ایزدبانو به دست داده، «زنی است بر اُشتی نشسته و پیشش بربط است و همی‌زند» نیز مؤید این ادعاست. از این‌رو در روزگاران کهن، زهره یا ناهید را ایزد موسیقی و سرپرست رامش‌گران و خنیاگران می‌شمرده‌اند و کارها و صفات گروه نوازندگان و

خوانندگان و بازیگران را مظهر و جلوه‌ای از صفات بی‌شمار او می‌دانسته‌اند. وجود نام‌های متعدد سازهای موسیقی، که اغلب در فرهنگ‌ها نیز با نام فارسی خود شناخته شده‌اند، حکایت از پیشینه‌ای بسیار کهن از ارتباط موسیقی و ناهیدپرستی دارد؛ به‌ویژه دلایل باستان‌شناسی نیز این پیوند را مستحکم‌تر نشان می‌دهد [۵۰، ص ۴۳۳].

نتیجه‌گیری

ایزدبانوان باروری، در همه تمدن‌های کهن و بزرگ جهان، مورد ستایش بوده‌اند. الهه آناهیتا نیز مهین ایزدبانوی باروری در فرهنگ و تمدن ایران است. این ایزدبانوی ایرانی، چنان جایگاه رفیعی دارد که حتی در دیگر کشورهای جهان عبادت‌گاه‌های بزرگی از سوی مریدانش برای وی ساخته شده است. ستایش و بزرگداشت ایزدبانوی ناهید در دنیای باستان سبب تولیدات بسیار نفیس آثار هنری، جهت اهدا و نذر به پیشگاه الهه آناهیتا شد. این نذورات، در جهت جلب رضایت الهه ناهید، به معابد اهدا می‌شد؛ تا باران، حاصل‌خیزی و پیروزی، از سوی این الهه ارجمند بر آن کشور و پیروانش نازل شود. از میان این آثار، سیمینه‌ها و زرینه‌های عصر ساسانی از زیباترین گونه‌های خودند. هنرمندان ایرانی، با توجه به تعاریف موجود در کتب دینی و براساس توصیفاتی که از وظایف روحانی الهه آناهیتا رفته است، به بازآفرینی تصاویر ملموس الهه پرداختند. اغلب این قالب‌های فیزیکی، در ارتباط با ایزد بهرام (پیروزی) و جلوه‌های متعدد ظهور وی نظام یافته‌اند. البته، تأثیر و تأثرات متقابل فرهنگی دیگر جوامع نیز عامل بسیار مهمی است که در آثار هنری به‌خوبی نمایان شده. آثار فلزی عصر ساسانی تلاش هنرمندان را در جهت ایجاد تصاویر جسمانی و ملموس برای تجسم یک ایده و قالب ذهنی از ایزدبانوی آناهیتا به‌خوبی نشان می‌دهد. اما متأسفانه، امروزه، بسیاری از این آثار به اشتباه تأویل و تفسیر شده‌اند. گاهی این الهه ارجمند در مقام دیونیزوس یونانی یا مریدانش یا یک فلوت‌زن سوار بر حیوانی مجهول‌الهویه نزول یافته است و گاهی به‌عنوان همسر پادشاه ایفای نقش می‌کند. شناسایی الهه آناهیتا در آثار هنری عصر ساسانی فقط با توجه به ادبیات دینی و اعتقادی آن دوره امکان‌پذیر است و بی‌توجهی به آن، تعبیر ناصحیح را به دنبال دارد. نوشتار حاضر تلاش دارد با اتکا به منابع نوشتاری دینی و مورد توجه قرار دادن تأثیر و تأثرات معنایی الهه آناهیتا از دیگر جوامع و تمدن‌های کهن، به تعبیر و تفاسیر دقیق‌تری از این آثار هنری نفیس دست یابد.

منابع

- [۱] قرآن مجید.
- [۲] خُرده‌آوستا، برگردان از دین‌دبیره، ترجمه شادروان رشید شهمردان ایران‌شهمردان، بازنگری و هماهنگی با دین‌دبیره: موبد مهربان خدامراد موبد دینیار فیروزگری، گزارش فارسی: رستم

- کیخسرو موبد شاه‌فریدون وحیدی، نگرش بر چاپ: بهنام مبارکه، تهران: مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی فروهر (۱۳۸۸).
- [۳] *یشت‌ها* (۱۳۰۹ ق). ترجمه و تفسیر ابراهیم پورداوود، بمبئی: انجمن ایران لیگ، ۲ ج.
- [۴] اخویان، مهدی؛ آیت‌اللهی، حبیب‌الله (۱۳۹۱). «تحلیل رنگ هاله مقدس در نقاشی دیواری بقاع متبرکه ایران»، *گنجینه پژوهش*، ص ۳۰-۴۱.
- [۵] اسماعیل‌پور، ابوالقاسم (۱۳۷۷). *اسطوره بیان نمادین*، تهران: سروش.
- [۶] اقتداری، احمد (۱۳۶۵). «نشانه‌های پرستش تیر و ناهید»، *بررسی‌های تاریخی*، ش ۵، ص ۱۰، ص ۶۴-۱۳.
- [۷] اکبری، تیمور؛ الیکای‌دهنو، ثریا (۱۳۸۴). *چلیپای شکسته نماد رازآمیز*، تهران: سمیرا.
- [۸] اورنگ، مراد (۱۳۴۴). *فروهر یا شاهین*، تهران: بی‌نا.
- [۹] باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۵۷). *خاتون هفت قلعه*، تهران: بی‌نا.
- [۱۰] بختورتاش، نصرت‌الله (۱۳۸۰). *نشان رازآمیز: گردونه خورشید یا گردونه مهر*، تهران: فروهر.
- [۱۱] بختورتاش، نصرت‌الله (۱۳۵۱). «گردونه خورشید یا گردونه مهر»، *مجله بررسی‌های تاریخی*، ش ۴۰، مرداد و شهریور، ص ۶۵-۱۰۰.
- [۱۲] بویس، مری (۱۳۸۱). *آناهیتا*، ترجمه زهرا باستی، سروش پیرمغان: یادنامه جمشید سروشیان «مجموعه مقالات»، به کوشش کتابیون مزداپور، تهران: ثریا.
- [۱۳] بیرونی، ابوریحان (۱۳۵۲). *الآثار الباقیه عن القرون الخالیه*، ترجمه اکبر داناسرشت، تهران: ابن‌سینا.
- [۱۴] پلوتارک (۱۳۷۱). *حیات مردان نامی*، ج ۴، ترجمه رضا مشایخی، تهران: ققنوس.
- [۱۵] پوپ، آرتر؛ اکرم، فلیپس (۱۳۸۷). *سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ-امروز*، ویرایش: سیروس پرهام، ترجمه نجف دریابندری، تهران: علمی و فرهنگی.
- [۱۶] پوپ، اپهام آرتور با همکاری فیلیپس اکرم و اریک شرودر (۱۳۸۰). *شاهکارهای هنر ایران*، اقتباس و نگارش: پرویز ناتل خانلری، تهران: علمی و فرهنگی.
- [۱۷] پورداوود، ابراهیم (۲۵۳۵). *فرهنگ ایران باستان*، بخش نخست، زیر نظر بهرام فره‌وشی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چ ۲.
- [۱۸] پاکباز، رویین (۱۳۸۱). *دایرةالمعارف هنر*، تهران: فرهنگ معاصر، چ ۳.
- [۱۹] پیرنیا، محمدکریم (۱۳۸۴). *سبک‌شناسی معماری ایران*، تدوین: غلامحسین معماریان، تهران: سروش دانش.
- [۲۰] نمودی، فرح (۱۳۸۷). *ایزدبانوان در ایران باستان و هند*، تهران: آوَرَن.
- [۲۱] جلیلود صدفی، شیدا (۱۳۸۱). «به سوی سرزمین بی‌بازگشت»، سروش پیر مغان: یادنامه جمشید سروشیان «مجموعه مقالات»، به کوشش کتابیون مزداپور، تهران: ثریا.
- [۲۲] خانی، شهین (۱۳۸۱). «بانوی حیوانات انگاره‌ای ماقبل تاریخی»، *هنرنامه*، ش ۱۶، پاییز، ص ۱۱-۳.
- [۲۳] خزایی، محمد (۱۳۸۱). *هنر نقش*، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- [۲۴] دوشن گیمن، ژاک (۱۳۷۵). *دین ایران باستان*، ترجمه رویا منجم، تهران: فکر روز.

- [۲۵] دومزیل، ژرژ (۱۳۸۳). *سرنوشت جنگجو*، ترجمه مهدی باقی و شیرین مختاریان، تهران: قسه.
- [۲۶] رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۳). *پیکرگردانی در اساطیر*، تهران: نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- [۲۷] سرفراز، علی اکبر؛ فیروزمندی، بهمن (۱۳۷۵). *ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی*، تهران: مارلیک.
- [۲۸] شریفی، گلغام (بهار ۱۳۸۶). «تحول معنایی واژه فره در متن‌های اوستایی و پهلوی»، *مجله مطالعات ایرانی*، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، مرکز تحقیقات فرهنگ و زبان‌های ایرانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، س ۶، ش ۱۱، ص ۹۳-۱۰۵.
- [۲۹] شوالیه، ژان؛ گبران، آلن (۱۳۸۷). *فرهنگ نمادها: اساطیر، رؤیاهای، رسوم و ...*، ترجمه و تحقیق: سودابه فضایی، تهران: جیحون.
- [۳۰] فره‌وشی، بهرام (۱۳۷۴). *ایرانویچ*، تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ.
- [۳۱] کامبخش فرد، سیفالله (۱۳۸۰). *آثار تاریخی ایران*، تهران: مؤسسه انتشارات تعاون سازمان میراث فرهنگی کشور.
- [۳۲] کارنوی، ا. جی. (۱۳۴۱). *اساطیر ایرانی*، ترجمه احمد طباطبایی، تهران: آپیکو.
- [۳۳] کریمان، حسین (۱۳۵۶). *قصران (کوهساران)*. ج ۲، تهران: انجمن آثار ملی.
- [۳۴] کعبی‌پور، محبوبه (نخستین: ۱۳۸۳، دومین: ۱۳۸۴). «بررسی تاریخی عناصر چهارگانه در دوران باستان ایران و نمودهایی عنصر آب در دوره هخامنشی (تخت جمشید و نقش رستم)»، *مقالات هم‌اندیشی هنر و عناصر طبیعت: آب، خاک، هوا و آتش*، ویراستار: اسماعیل آریانی، تهران: فرهنگستان هنر.
- [۳۵] کوپر، جی. سی (۱۳۷۹). *فرهنگ مصور نمادهای سنتی*، ترجمه ملیحه کرباسیان، تهران: فرشاد.
- [۳۶] گانتر-سی، پل جت (۱۳۸۳). *فلزکاری در ایران دوره هخامنشی، اشکانی، ساسانی*، ترجمه شهرام حیدر آبادیان، تهران: گنجینه هنر.
- [۳۷] گذار، آندره (۱۳۷۷). *هنر ایران*، ترجمه بهروز حبیبی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- [۳۸] گیرشمن، رومن (۱۳۴۹). *ایران از آغاز-اسلام*، ترجمه محمد معین، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چ ۳.
- [۳۹] گیرشمن، رمان (۱۳۷۰). *هنر ایران در دوره پارسی و ساسانی*، ترجمه بهرام فره‌وشی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- [۴۰] گیرشمن، رومن (۱۳۷۸). *بیشاپور*، ترجمه اصغر کریمی، تهران: مؤسسه انتشارات تعاون سازمان میراث فرهنگی کشور.
- [۴۱] مصباح اردکانی، نصرت‌الملوک؛ دادور، ابوالقاسم (زمستان ۱۳۸۷). «نقش‌مایه زن بر روی مهرهای ایران از دوره پیش‌خطی-پایان دوره ساسانی»، *پژوهش‌های زنان*، دوره ۶، ش ۴، ص ۱۶۱-۱۸۲.
- [۴۲] معین، محمد (۱۳۸۳). *فرهنگ فارسی*، تهران: سرایش.
- [۴۳] مقدم، محمد (۱۳۵۷). *جستاره درباره مهر و ناهید*، تهران: انتشارات مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ‌ها.
- [۴۴] مورتگات، آنتون (۱۳۷۷). *هنر بین‌النهرین باستان/ هنر کلاسیک خاور نزدیک*، ترجمه زهرا باستی، محمدرحیم صراف، تهران: سمت.

- [۴۵] موسوی‌لر، اشرف؛ کاظمی، معصومه (۱۳۸۳). «سیمای زن در تاریخ و اساطیر ایران باستان»، *جلوه هنر*، ش ۲۲، ص ۹۰-۱۲۴.
- [۴۶] وارنر، رکی (۱۳۸۶). *دانش‌نامه اساطیر جهان*، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران: آسپوره.
- [۴۷] ولیکوفسکی، امانوئل (بی‌تا). *و جهان واژگون شد*، ترجمه محمدحسین نجاتیان، تهران: سیمغ.
- [۴۸] هال، جیمز (۱۳۸۰). *فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب*، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: فرهنگ معاصر.
- [۴۹] هرمان، جورجیا (۱۳۷۳). *تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان*، ترجمه مهرداد وحدتی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- [۵۰] یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۶). *فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی*، تهران: فرهنگ معاصر.
- [51] Boyce, M., (1967). *Bibi Shahrbanū and the Lady of pars*, 30, BSOAS.
- [52] Grey, I.H., (1930). *The Foundations of the Iranian Religions*, K.R. Bombay.
- [53] Lushey, H., (1968). "Zur Datierung der sasanidischen Kapitelle aus Bisutun und des Monuments von Taq-i-Bostan", AMI, N.s.1.